

در مورد خیانت جدید در مسئله نفت

موافقت نامه محمد رضاشاه با کسرسیوم بین المللی نفت که تازه ای است که در راه توسعه و تشدید سلطه امپریالیسم در ایران و در قاره

شاه ایران و این قریب و راهی هیچکس را نمی فریبد و کمتر از همه مردم ایران را که اکنون قریب بیست سال است که با این

خطای بزرگ استراتژیک نیکسون

روزنامه نان در این ارگان حزب زحمتکشان ویتنام در شماره ۱۵ ژوئیه تحت عنوان " پنج شرمناکی یک افزار جنگی" نظریه اشتباه آمیز نیکسون

مبارزه مسلحانه و وحدت نیروها

ما برآیم که بدون رهبری حزب طبقه کارگر انقلاب نسبی نتواند به پیروزی قطعی توده های زحمتکش بیانجامد

سازمان ما وظیفه خویش دانستیم که از یکدوانتقاراد خود را بی پرده و صمیمانه بیان دارد

خطای بزرگ استراتژیک نیکسون

روزنامه نان در این ارگان حزب زحمتکشان ویتنام در شماره ۱۵ ژوئیه تحت عنوان " پنج شرمناکی یک افزار جنگی" نظریه اشتباه آمیز نیکسون

خطای بزرگ... بقیه از صفحه ۱
 او برتاب از سابق
 قوتش شده است...
 بین‌گداری و محاصره بندر ویتنام شمالی که به سبب آن
 یک اقدام نظامی قاطع... تلقی شده نیز یکی از اشتباهات
 استراتژیک نیکسون است زیرا که وی میخواست وضع وخیم ویتنام
 جنوبی را بوسیله آندامیک در خارج از میدان نبرد صورتساز
 گیرد جبران کند.

۳- نیکسون به بزرگترین شکست سیاسی دچار آمد
 نیکسون با تجمیع حد اکثر نیروی هوایی برای حمله
 بر دو بخش ویتنام نه فقط به شکست نظامی بلکه شکست سیاسی
 بزرگتری گرفتار شد. نیکسون از حیث میزان بسببهای بزرگ ویتنام
 فرو ریخت از جانشین هم در گذشت و نشان داد که در نزد تهریز
 در تخیم عصر ما اوست.

شکست سیاسی دیگر نیکسون در اینست که بگارانده
 ختن مجدد نیروی هوایی بحقیقاً وسیع در ویتنام جنوبی بمنزله
 اعتراض به شکست میثاتی کردن " جنگ است."
 ۴- نیکسون بدست خودش بر استراتژی جهانی آمریکا
 که در حال بحران است ضربه میزند.

جنگ تجار کارخانه در ویتنام انعکاس بسیار وخیمی در
 استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکا داشته و آرایش قوای نظامی
 او را در جهان بهم زده است. آمریکا با درگیری عمیق در
 جنگ ویتنام مواضع خود را در مناطق دیگری که برای او اهمیت
 درجه اول دارد تضعیف کرده است. هزینههای نظامی
 آمریکا موجب بهم خوردن توازن بودجه او گردیده زیرا که
 اعتبارات مخصوص به جنگ ویتنام و هندی و چین بیش از اندازه است
 عدای از استراتژیهای آمریکا معترفند که بگانه راجلوی
 گیری از تضعیف نیروهای نظامی آمریکا و نجات استراتژی جهانی
 نی او از بحران کنونی عبارت از پایان دادن واقعی و فوری به
 این جنگ اشتباه آمیز و مصیبت خیز است. ولی نیکسون بسبب
 تجهیز حد اکثر نیروی هوایی و دریایی آمریکا کاملاً در جهت
 خلاف این خواست قدم بر میدارد. نیروهای هوایی آمریکا
 هر روز گرفتار تلفات جدیدی میشوند. ناوگان هضم آمریکا که
 باید در مناطق وسیع اقیانوس آرام و اقیانوس هند و استرالیا
 عمل کند همه این میدان هارارها کرده و در تنگای " ایستگاه -
 امریکائی" در خلیج پارس متحرک شده است.

۵- نیکسون در تضاد با " دکترین نیکسون" است.
 نیکسون با اجرای دکترین خویش در ویتنام به سیاست
 " ویتنامی کردن" جنگ دست زد که عبارت بود از تقلیل تدر
 یجی شرکت مستقیم آمریکاییان در جنگ بموازات تکیه و تقویت
 ارتش بوشالی سابقین و باین منظور که هزینه های نظامی آمریکا
 در ویتنام بیزمان قابل توجهی کاهش یابد و درگیری مستقیم آمریکا
 در جنگ کمتر شود.

ولی در شرایط وخیم کنونی نیکسون مجبور شده است
 نیروی هوایی و دریایی آمریکا را بعد از تجهیز کشتی و این امر
 نه فقط از درگیری آمریکا در جنگ تنگنا دهد بلکه باعث افزایش آن
 میگردد. حتی اگر سپاهیان آمریکا خاک ویتنام را ترک گویند
 جنگ در ویتنام همچنان جنگ امریکائی خواهد بود. هزینه های
 جنگ ویتنام که اندکی کمتر شده بود بعلت وجود بیشتر
 ۲۰۰۰۰۰ تن نظامی امریکائی در ویتنام جنوبی و در نایلند
 و در ناوگان هضم و بعلت وجود دستگاه فرماندهی امریکائی
 اسلحه و تکنیک و دلار آمریکا، ناگهان رو با افزایش گذاشته است
 جنگهوائی در مقایسه با سایر جنگهوائی که با سلاحهای دیگر
 صورت میگیرد پیوسته مستلزم سنگین ترین هزینه هاست.
 امریکا در جنگ تهاجی که طبق " دکترین نیکسون"
 در پیش گرفت شکست خورده است و اینکه که در جهت مخالف
 این دکترین گام بر میدارد به شکست های سنگین تر دچار
 خواهد آمد و ناگهی این دکترین تضرع خواهد شد...

آنچه سرزشت جنگ راتعمین میکند همیشه نبرد هائی است
 که روی زمین صورت میگیرد. نیروهای مسلح و خلق در ویتنام
 جنوبی دماغ دشمن را در میدان های نبرد برخاک مالیده اند
 اند و بی مانند. نیروهای هوایی آمریکا در شمال با مقاومت
 بسیار شدید روبرو شده اند.
 هواپیماهای آمریکا - این آتوی نیکسون - بهراند کنونی
 که بنام او موسوم است در خاک ویتنام دفن خواهند شد این امر
 مسلمی است.

اعلامیه سازمان مارکسیستی - لنینستی، توفان در مورد... بقیه از صفحه ۱
 پولها نیز مانند گذشته بعنوان گوناگون و مخصوص خرید اسلحه دوباره به سرمایه داران غرب باز خواهد گشت و بخشی از آنها نیز به -
 جیب سرمایه داران بزرگ داخلی سرازیر خواهد شد. در این میان خلق های ایران مانند همیشه کوچکترین سهمی از آن نخواهند برد و
 همچنان در فقر و محرومیت باقی خواهند ماند.

درست ۱۹ سال پیش امپریالیست های آمریکا و انگلیس با کودتای ۲۸ مرداد دولت دکتر صدوق را سرنگون ساختند و تحت رژیم
 ترو و وحشت و پیروزی بزرگی را که خلق های ایران با مبارزات خود و با دادن قربانیهای فراوان بدست آورده بودند از آنها ربودند و صنایع
 نفت را دوباره برای ۲۵ سال در اختیار خود گرفتند. موافقت نامه ای که هم اکنون در شرف تدوین است، صنایع نفت ما را برای ۲۲ سال
 دیگر در اختیار امپریالیسم قرار میدهد. این موافقت نامه در شرایطی تدوین و امضاء میشود که خلق های ایران حاکم بر سرزشت خویش
 نیستند و بر اثر رژیم فشار و اختیاقی حق هرگونه ابراز مخالفتی از آنها سلب شده است. خلق های ایران این موافقت نامه را با قاطعیت
 تمام محکوم میکنند و زهم اکنون آنرا باطل میدانند، همانطور که قراردادهای پیشین را محکوم ساختند و برسمیت نشناختند. موافقت
 محمد رضاشاه با کسر سیم برای خلق های ایران بهیچوجه الزام آور نیست. محمد رضا شاه همانقدر نسبت به مردم ایران بیگانه است
 که بیگانگان حامی وی.

خلق های ایران نزدیک به یک قرن است که بخاطر آزادی و استقلال با امپریالیسم و نوکران ایرانیش میزنند. امروز نیز میسازند
 آنان همچنان باشند ادامه دارد. شک نیست که در این مبارزه طولانی پیروزی نهایی از آن خلق های ایران است.
 پیروز باد میسازنده خلق های ایران بخاطر آزادی و استقلال!

مرگ بر محمد رضا شاه نوکر پست و زبون امپریالیسم!
 مرگ بر امپریالیسم!

سازمان مارکسیستی توفان
 مرداد ۱۳۵۱

سوسیال امپریالیسم
 سوداگر اسلحه

" انستیتیوی تحقیقات سوئد اخیراً ارقامی درباره اسلحه
 فروشی منتشر ساخته است. صرفنظر از اسلحه های که به ویتنام
 داده میشود مبلغ فروش اسلحه در سال ۱۹۷۱ یک میلیارد و
 هشتصد میلیون دلار یعنی ۸۱ میلیارد فرانک بلژیک بود، که
 رگور اسلحه فروشی است. ۸۷ درصد این اسلحه بوسیله آمریکا
 شوروی و انگلستان و فرانسه تحویل داده شده است.

برای نخستین بار شوروی که ۳۰ میلیارد فرانک بلژیک اسلحه
 فروخته در مقام اول قرار گرفته است. اینست نمونه عالی پیروزی
 روزیونیستی! این اسلحه را شوروی به مصر که سهم او بیشتر از
 ویتنام میباشد (سهم ویتنام در اینجا بحساب نیامده) و بخمس
 به هند رستان تحویل داده است، همان هند وستانی که تجاواز
 وی بر پاکستان بوسیله شوروی سازمان داده شد.
 مشتریان عمده آمریکا عبارت بود ماند از: اسرائیل، چان
 کایچک، تایلند و ترکیه. امپریالیست های امریکائی مجموعاً ۲۶
 میلیارد فرانک اسلحه فروخته اند.

ایران در عین حال، هم از آمریکا و هم از شوروی و هم از
 انگلستان اسلحه خریده است. این واقعیت است که شاه ایران
 در برابر خشم روز افزون توده ها به ارتش تکیه میکند.
 بهترین مشتری فرانسه، ایران فانیست است. ولسی
 ترکیه، کنگوی موموتو و ایران هم دور نیستند.

از روزنامه " کلارته" ارگان مرکزی حزب
 کمونیست مارکسیست لنینست بلژیک

بند رعباس و تجهیزات است

" بند رعباس نمایانگاه ماشین آلات عجیب و غریب کشورها
 مختلف و ماشین آلات مدرن و مجهزی است که قسمت عمده آن
 یا قابل استفاده نمیشود یا بعضی بیاید کردن نقش بدین تعمیر
 و بلا استفاده میماند و نتیجه این شده است که هر سال سازمان
 بنادر بجای اخذ پارادش سرعت در تخلیه و باربری، مبالغی
 جرمه میردازد."

تهران اکتوبریست ۳۱ تیر ۱۳۵۱

تا همین آین وحدت بیابیم و با استواری در آن به پیش برویم.
 سازمان مارکسیستی - لنینستی توفان در ایفا این وظیفه
 خواهد کوشید.
 درود بهمه سازمانها و گروههای انقلابی که در راه
 ایرانی آزاد، آباد و سر بلند پیکار میکنند!
 گرامی باد یاد تیرباران شدگان!
 درود پیشرو بر زندانیان سیاسی!
 سرنگون باد رژیم دست نشانده محمد رضاشاهی!

مبارزه مسلحانه... بقیه از صفحه ۱ سازمان مجاهدین خلق،
 و دهها گروه دیگری که در یکسال اخیر کشف شده و تعدادی
 از افراد آنها دستگیر شده اند و گروه های زیادی که هنوز
 را کشف نشده اند و مشغول فعالیتند، همه و همه نشان آماج گیر
 انقلاب مسلحانه در کشور ما است.

همان طور که ناصر صادقی خاطر نشان ساخته تجارب
 مبارزات سی ساله اخیر بی اثر نمانده است و خلق ما روز بروز
 بتجربه درسی باید که رژی که به سر نیزه های خود و نیرو
 های مسلح امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم متکی است جز
 با زور سر نیزه سرنگون نشدنی نیست. مسلماً تجارب ما را رگنجا
 گونی نیز بیشتر نخواهد ماند و انقلابیون خواهند آموخت که
 چگونه این مبارزات را بمبارزات توده عظیم خلق تبدیل کنند.
 موضوع مهم دیگر در دفاعیات ناصر صادقی توصیه وحدت
 کبیه نیروها و انقلابی در مبارزه بر ضد رژیم ضد ملی و دست
 نشانده محمد رضاشاهی است. وکیل تسخیری صادقی و ستم
 دیگر (مسعود رجوی، علی میسهند و ستم محمد بازگانی)،
 وکلی که برای خود وظیفه ای جز خوار کردن و ناچیز شمردن
 متمان و جلب ترحم دادگاه نسبت به آنها نمیشناخت اظهار
 داشت که: اینها کتب مارکسیستی را بخاطر رز رویه مارکسیسم
 مطالبه میکردند. ... صادقی حرف او را قطع کرده گفت:
 " درست است که ما مسلمانیم و مطالعات اسلامی داریم ولی
 به مارکسیسم بعنوان یک مکتب مترقی اجتناف احترام میگذاریم
 صادقی با این گفتار دلیرانه نه فقط خواست احترام خویش را
 به اندیشه مارکسیستی - لنینستی بیان دارد بلکه لازم است
 که از نفاق افکنی عوامل ارتجاع بین انقلابیون و جدا کردنیان -
 رزان مارکسیست از غیر مارکسیست جلوگیری کرد. این اعتراض صادقی
 نشان همبستگی کبیه مبارزان راه خلق، از هر حزب و گروه، از
 هر سبک و آئین بود.

همانطور که در دفاع نامه چهارتن از " مجاهدین خلق
 ایران" و منجمله ناصر صادقی یادآوری شده است: " چهار
 مبارز محکوم به اعدام از سازمان مجاهدین خلق در دادگاه
 اعلام همبستگی با سایر گروهها را نمودند و سفارش کردند که
 این اولین قدم برای تشکیل جنبه متحد میباشند."

این پیام که از پای چوبه اعدام فرستاده شده برای همه
 انقلابیون ایران گرامی و ارزشمند است.
 سازمان مارکسیستی - لنینستی توفان پیوسته در راه وحدت
 نیروهای خلق کوشیده است و اینکه بجهت ای با ناصر صادقی
 بهمه میمن پرستان، همه انقلابیون، همه سازمانها و گروهها
 پیکار جوی ضد رژیم محمد رضاشاهی ندا میدهد که بسوی
 وحدت مبارزه جویانه در زیر جملای ملی و ضد امپریالیستی
 رهسپار گردند. این کار بمعنای زدودن مرزها، کنار گذاشتن
 شتن اختلاف نظرها، صرف نظر کردن از استقلال سازمانها
 و گروهها نیست بلکه بمعنای گردآوری کبیه قوا در زیر شعار
 های مورد توافق همگان و توحید مساعی برای کوبیدن دشمن
 مشترک است. وظیفه همه ما است که راههای عملی مشخص برای

جنبش انقلابی کنونی و تروتسکیسم

برودی رساله "ترتسکی و تروتسکیسم" از جانب سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان انتشار خواهد یافت. اینک مقاله تیزترین گروشن کننده خصوصیات تروتسکیسمها ماصراستاز جمله "رژیم پارتیز" ارگان تئوریک و سیاسی حزب کارآلبانی، ترجمه و در دسترس خوانندگان گرانگذاشته میشود.

شدن باید، در هر کشوری بوسیله نهضت مذکور برنامه واقعی مبارزه انقلابی تنظیم گردد. احزاب مارکسیستی - لنینیستی در توده ها نفوذ کنند تا سمت گیری صریح و روشنی آنها باشد و عناصر انقلابی صدیقی را که در اثر تروتسکیسم گمراه شده اند از نفوذ وی برهانند.

- ۱- ارادگی برستی به جریانی گفته میشود که در تحویل تاریخی برای عزم و اراده نقش درجه اول و تقدم قائل است و عوامل عینی را کم بها میدهد و یا از دیده فرو میگرداند.
- ۲- مکتب انتقاطی مکتبی است که جزئیات فکری، نظریات و تئوریهایی مختلف را بدون تقدیر به اصول با هم درمی آمیزد و از هر کدام از آنها نکتهای اقتباس میکند. انتقاطین میگویند که ماتریالیسم و ایدئالیسم را با هم پیوند دهند.
- ۳- خصوصیات این جریان ایدئالیستی و نهنگرا عبارت از این است که برآگاهیست ها آنچه را که حقیقت است و آنچه را که مفید است یکسان می شمارند و میگویند حقیقت آنچه چیزی است که مفید باشد. و مفید را هم از لحاظ منافع بورژوازی قضاوت می کنند. مثلا اگر معتقدات خرافاتی برای حیات بورژوازی مفید باشد حقیقت تلقی میشود.

ضربات دشمنانه

روزیونیست های حزب توده ایران، بمتابه اپوزیسیون آریامهر، دشمنانه تیرماه روزنامه مردم به گرانندگان رژیم کودتا نیکوآهانه چنین اندرز داده اند:

"فعالیت عدّه معدودی بمبگذار که نام چریک بخشود نهاده اند توجیه کننده ادامه اختناق و استبداد نیست بالمعنی فشار و اختناق کنونی به چپ روهای انقلابی تا امکان میدهد که عملیات تروریستی خود را توجیه و تشدید کنند. یکی از مهمترین وسائل مقابله با روش های خرابکارانه لغو و تسکین اقدامات ضد آزادی است."

در این عبارات چه مایه کینه ضد انقلابی نهفته است! در این عبارات، هویت روش فرکان انقلابی که جان برگ بخاطر هدف های عالی میهن پرستانه قدم بمیدان نهاده اند در "صفت" بمبگذار خلاصه شده است! تروکی کسای پستی شده اند که شغلشان بمبگذاری است بدون آنکه هدفی اجتماعی در سر داشته باشند!

چقدر این عبارات همطراز اظهارات محمد رضا شاه است که گفت: "شاید عدّه ای از افراد صرفا تشنه خون هستند و ممکن است علاقه مند به خونریزی باشند!"

روزیونیست های حزب توده ایران در پی اعتبار ساختن رانانی که بقصد سرنگونی رژیم اسلحه گرفته اند، در سلب معنا و مضمون انقلابی آنها با محمد رضا شاه زمان مشترکی دارند.

روزیونیست های حزب توده ایران مبارزانی را که رود روی رژیم بیخاسته اند حتی انقلابی هم نمیدانند بلکه "چپ و انقلابی نام می نامند و راههای" مقابله با روش های خرابکارانه آنها را بدولت ارائه میدهند!

روزیونیست های حزب توده ایران از یک سو هر اقدام رژیم گردن تارا حوری، جنبه های مثبت می شمارند و باین طریق به آرایش رژیم و فریب توده ها دست میزنند و از سوی دیگر برای پیگارجوانان انقلابی هیچ جنبه دیگری جز "انقلابی نامی و خرابکاری قائل نیستند و باین طریق قلمی بر جبهه آنها میکشند!

اگر امروز عدّه ای از روشنفکران ایران در سرور انقلابی خویش براهی قدم نهاده اند که راه تجهیز توده ها و تأییدن پیروزی نیست گناه آن در درجه اول برگردن روزیونیست های حزب توده ایران است که با خیانت به مارکسیسم - لنینیسم با تغییر ماهیت حزب طبقه کارگر ایران، با غلطیدن در اپوزیسیون نیسم، موجب آشفتنی بیسابقه فکری و تشتت سازمانی توده های مردم شده اند. اگر حزب طبقه کارگر ایران بر سر خود ادامه داده و مبارزات خلق از رهبری انقلابی آزوده محروم نمانده بود امروز جوانان انقلابی مادر جستجوی راه پیروزی سرگشته نبودند و اینهمه تلفات جانگناه نمیدادند.

در شرایط کنونی، وظیفه سازمان سیاسی طبقه کارگر است که با جوانان انقلابی همبستگی عمیق داشته باشد، احطاب سات مقدس آنها را بخوبی درک کند، اشتباهات آنها را بشناسد و آنها را در لوزانه و صبورانه انتقاد و رهبری کند. اما بدیهی است که روش خافتان به طبقه کارگر بطور دیگر است. آنچه روزیونیست های حزب توده ایران انجام میدهند انتقاد دوستانه نیست، ضربه دشمنانه است.

های ماورا" چپ باعث دوری دهقانان از طبقه کارگر میگردد و وی در کشورهای سرمایه دار در تکامل یافته که در آنجا طبقه کارگر نیروی عمده هر نهضت، اقتصاد انقلابی است همبستن تروتسکیست ها عنودانه به اشتباه این نظریه میبرد ازنده گنبروی های حرك انقلاب و رهبران حقیقی نهضت انقلابی در کشور. های مذکور روش فرکان جوان و دانشجویان و دانش آموزان - اند. گمراه روشن این مطلب همین است که جریان تروتسکیستی بویژه در بین جوانان دانشجو رخنه کرده و نفوذش در بیستین کارگران اندک است. موضع تروتسکیست ها در این مورد نزدیک بوضع ایدئولوگ های بورژوازی مارکزی و با روزیونیست های افراطی از نوع فیشتر است. اما همه میدانند که جنبش دانشجو جوشی هر قدر پیش یافته باشد فقط در آن صورت میتواند نقش مثبت موثری در مبارزه برای سرنگون سرمایه داری بازی کند که به نهضت انقلابی طبقه کارگر بپیوندد و تحت رهبری طبقه کارگر و حزب مارکسیستی لنینیستی او قرار گیرد.

... خصوصیت تروتسکیست های قدیم و جدید نسبت به نهضت انقلابی طبقه کارگر از برخوردشان به مسئله "حزب طبقه کارگر بخوبی آشکار میگردد. نظریه تروتسکیستی را در این مورد میتوان چنین خلاصه کرد:

اولا بعقیده تروتسکیست ها وجود حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر و رهبری این حزب در مبارزه برای سرنگون بورژوازی و پیروزی سوسیالیسم کاملا ضروری نیست.

کاملا روشن است که در این مسئله بین نظریه تروتسکیستی و نظریه ای که روزیونیست های معاصر یوگوسلاوی و ایتالیایی و غیره تبلیغ میکنند تفاوت اساسی وجود ندارد. اینگونه نظریات جز اینکه طبقه کارگر را بدون رهبری انقلابی واقعی بگذارد و بصورتی در انقلاب دخالت کند و طبقه کارگر را در قیام بردگی سرمایه داری نگذارد دارای هدف دیگری نیست.

ثانیا تروتسکیست ها با این امر که پس از تروکیست ها در تروتسکیسم طبقه کارگر باید رهبری واحدی شریک حزب طبقه کارگر لنینیستی طبقه کارگر بر قرار شود مخالفت میبرزند و بهسراهی ایدئولوگ های گوناگون بورژوازی و روزیونیستی راست به تبلیغ سرگم چند حزبی در دوران سوسیالیسم مشغول اند.

ثالثا تروتسکیست ها که به تبلیغ انقلاب "جهانی" دست میزنند و به عامل داخلی، یعنی عامل ملی تر رشد نهضت انقلابی که بسیار میزند به نقش حزب طبقه کارگر، رهبر قیام ملی نوس ارزش لازم نمیکند از ضرورت "حزب جهانی" سخن میزنند.

رابعا با آنکه تروتسکیست ها خود را در حرف وارث پیگیر لنین و بلکه یگانه وارث وی می شمارند عملا با اصول لنینی تروکی داخلی حزب طبقه کارگر عنودانه بخالفت برمیخیزند.

... اسناد و واقعیات ثابت میکند که تروتسکیسم معاصر دشمن جانی نهضت انقلابی طبقه کارگر و خلق هاست صلاح خطرناکی است در دست بورژوازی و امپریالیسم بمنظور ایجاد سرگمگنی در این نهضت و تفرقه و تخریب آن. پس در شرایط کنونی، مبارزه بخاطر افشا و امحاء جریان تروتسکیستی برای رشد موفقیت آمیز جنبش انقلابی طبقه کارگر ضرورت قطعی دارد و وظیفه میرگمیه مارکسیست ها - لنینیست هاست.

در هم شکستن جریان تروتسکیستی از مبارزاتی که احزاب مارکسیستی - لنینیستی بر ضد روزیونیسم معاصر و در راه آن روزیونیست شوروی در پیش گرفته اند جدائی پذیر نیست تا اینکه در اثر مبارزه بر ضد روزیونیسم معاصر به پراکندگی و سرگمگنی نهضت انقلابی کنونی که زائیده روزیونیسمی - باشد و شرایط سر بلند کردن تروتسکیسم را فراهم آورده است خاتمه دهند و بزحمتگمان و خلق ها بقبانند که چه شکیاف عمیقی بین روزیونیست ها از یک سو و مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم واقعی از سوی دیگر وجود دارد و باین طریق امکان هرگونه سوء استفاده از تروتسکیست ها سلب شود.

اما شرط قطعی پیشرفت مبارزه موفقیت آمیز بر ضد تروتسکیسم عبارت از آن است که خود نهضت مارکسیستی - لنینیستی

همانطور که ترشمنین کنگره حزب کار آلبانی بروشن بیان شد، رشد نهضت انقلابی طبقه کارگر در دوران کنونی مستلزم دو مبارزه پیگیر است: یکی بر علیه اپوزیونیسم - راست روزیونیستی معاصر و این مهمترین مبارزه است - و دیگر بر علیه جریانات و تبلیغات "چپ روانه" بویژه فعالیت خطرناک تروتسکیسم که در زمان حاضر یعنی در سال های ۱۹۴۰ از توجان گرفته است. رفیق انورخوجه در گزارش به ششمنین کنگره حزب کار آلبانی چنین گفت: "اینک ما شاهد تشدید بی سابقه جریانات مختلف ضد مارکسیستی مانسب جریانات تروتسکیست ها و آثارشستها هستیم که با نفوذ در جنبش های مختلف توده های و بخصوص جنبش های جوانان و روشنفکران میگویند از آب گل آلود ماهی بگیرند تا توده ها را از راه راست باز دارند و به ماجراهای خطرناکی که بشکست و دلزدگی فاحش منجر میشود بکشاند."

... از لحاظ فلسفی و متدولوژیک خصوصیت تروتسکیسم معاصر همانند تروتسکیسم سابق عبارت است از ذهن گرافس اراده پرستانه (۱) که شرایط عینی رشد نهضت انقلابی را در مقیاس ملی و بین المللی، خصلت و نیروهای حرك انقلاب را در مراحل مختلفه در نظر نمیآورد. همچنین خصوصیت نظریات تروتسکیستی عبارت است از انتقاط (۲) و پراگماتیسم (۳) فقدان اصول ثابت، تکیه بر نظریات یکی متضاد گذار از یک کرانه به کرانه دیگر در آمیختن با جریانات مختلف بنام اقتضای موقع و غیره.

از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک خصوصیت تروتسکیسم معاصر در درجه اول عبارتست از دشمنی با مارکسیسم - لنینیسم انقلابی. این خصوصیت مشترک تروتسکیسم در بورژوازموز با لنین و لنینیسم تظاهر کرد و سپس بشکل برخورد خصمانه تروتسکی و تروتسکیسم با استالین و اندیشه و عمل رهبری او نما یان گردید. و اکنون روش دشمنانه تروتسکیسم نسبت به مارکسیسم لنینیسم در آنجا دیده میشود که تروتسکیست ها میگویند توجه نهضت انقلابی را از مبارزه با روزیونیسم معاصر سبکطاف گرداند و آن را بموضع ضد استالینی بکشاند. تروتسکیست ها مشی انقلابی مارکسیستی - لنینیستی استالین را در گمراه جلوه داده آن را اپوزیونیسم راست بشمار می آورند و در عین حال که مبارزه بر ضد روزیونیسم را تقریبا بدست فراموشی می سپارند توپخانه خود را بر ضد استالین و "استالینیسم" بگاریانند از تروتسکیست ها بر نافرمانی و افکارش و بر جمهوری ستودنی چین و انقلاب چین نیز حمله ور میشوند در حالیکه با رویکرد - نیست های معاصر در روش های اساسی خویش به آشتی کامل میادرت میجویند. آنها روش و روش روزیونیست ها به حمله بر استالین و جمهوری توده های چین دست میزنند و به پشتیبانی از جریانات مختلف روزیونیستی برمیخیزند.

... اشتعابگری در نهضت انقلابی طبقه کارگر یکی از شاخص ترین هدف ها و خصوصیات تروتسکیسم معاصر است. یکی دیگر از مشخصات افکار و روش های تروتسکیست ها عبارت از تومانی بر پرنسپ به "چپ" و به راست است عبارت از اینست که گاهی با اپوزیونیست های راست متحد میشوند و گاهی با افراطی ترین عناصر ماجراجویان "چپ رو" خصوصیت سیاسی اساسی تروتسکیسم معاصر مانند گشته درآندست که در حرف انقلاب میکند و در عمل به خرابکاری در نهضت انقلابی میپردازد.

... تروتسکیست ها با تبلیغات و روش های خود باعث تلاشی و تفرقه نیروهای حرك جریان انقلابی کنونی میشوند. در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره که در آنجا طبقه کارگر هنوز طبقه نسبتا کم شمار است و دهقانان اکثریت اهالی را تشکیل میدهند و از لحاظ تعداد خودشان بزرگترین نیروی انقلاب اند تروتسکیست ها انقلاب مرحله به مرحله را نفی می کنند و در واقع منکر امکانات انقلابی دهقانان میشوند و با شمار

در زیر رفش پیروزگر مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوتسسه دون!

بحران دلار نشانه افول امپریالیسم آمریکا است

این مقاله آیزد هکخوانندگان گرامی را به بررسی دقیق و صبورانه آن دعوت می‌کند. مجله پکن انفرامسین شماره ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۱ ترجمه شده است.

در دسامبر سال گذشته تنزل دلار که برای نخستین بار پس از سال ۱۹۳۴ صورت میگرفت بهای طلا را از هر انس ۳۵ دلار به هر انس ۳۸ دلار ترقی داد. ولی بحران دلار متوقف نشد و همچنان در سال ۱۹۷۲ ادامه یافت. نرخ دلار هم چنان تنزل کرد و چندین مرتبه در بازارهای اروپای غربی باعث هجوم بسوی طلا و فروش هنگفت دلار و توسانات عجیبگردید. آمریکا موفق نشد جلوی خونریزی دلار را بگیرد و کمبود بازرگانی خود را رفع کند، و تضادهای او با "متحدانش" در تجارت بین‌المللی و در مسائل پولی و مالی روز بروز شدت یافت. و خاست بحران دلار انعکاسی از افول سریع آمریکا است. که "امپریالیسم دلار" خوانده میشود.

از کم آمدن دلار تا زیاد آمدن آن - امپریالیسم آمریکا با تکیه بر قدرت اقتصادی خویش که در طی جنگ دوم جهانی افزایش بسیار یافته بود سیستم پولی بین‌المللی جهان سرمایه داری را بر دلاری مبتنی ساخت. امپریالیسم آمریکا در ۱۹۴۴ بوسیله صندوق بین‌المللی پول که افزاری در دست خود او بود سیستمی را بر کشورهای دیگر تحمیل کرد که طلا را به دلار و دلار را به سایر پول ها وابسته میکردند. عبارت دیگر برای آن بین طلا و دلار ثابت میماند و برابری سایر پول ها با دلار بر حسب میزان طلای آنها معین میشود. فقط دلار قابل تبدیل به طلاست. باین طریق، دلار که با طلا برابر نمیشد مانند طلا موقعیت ممتاز پیدا میکند و بصورت پول ذخیره بین‌المللی درمی آید.

در همان موقع که امپریالیسم آمریکا در اوج قدرت بود و در جهان بیهمتا بنظر میرسید رهبر بزرگ ما رفیق ماوتسسه دون گفت: "رونق (boom) زمان جنگ در آمریکا موقتی است، قدرت آمریکا سطحی و گذراست." تحول بعدی حوادث نشان داد که همین امر که آمریکا سلطه اقتصادی جهانی خود را به وسیله دلار برقرار کرد باعث تنزل درجری موقعیت ممتاز دلار گردید.

تنزل دلار از جنگ برضد که آغاز شد که امپریالیسم آمریکا در ۱۹۵۰ بدان دست زد. از آن بعد، ترازنامه پرداخت های بین‌المللی آمریکا جز در سال ۱۹۵۷ همیشه کمبود داشته است. در طی هشت سال از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۷ مجموع کمبودهای پرداخت های مذکور به ۱۰/۷ میلیارد دلار رسید. میزان دلار در خارجه روز بروز بیشتر میشد. کشور های اروپای غربی بجای اینکه مانند سابق دچار کمی دلار بشوند دچار زیادی دلار گردیدند. در ۱۹۵۸ فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا و سایر کشورهای اروپای غربی بازار مشترک را بنیاد گذاشتند و رقابت در بازرگانی بین المللی را تشدید کردند. روز بروز از بستنکار ترازنامه بازرگانی آمریکا کاسته شد و حال آنکه صادرات سرمایه های او رو با افزایش رفت. نتیجه آن شد که در پرداخت های بین‌المللی آمریکا کمبود عظیمی پدید آمد، طلای بسیار از آمریکا خارج گردید و ذخیره طلای او رو بگاهش نهاد. ذخیره مذکور که در ۱۹۴۹ ۳/۲ برابر مبالغ و اموال خارجی کوتاه مدت آمریکا بود در ۱۹۵۹ تقریباً با آن برابر شد. سال ۱۹۶۰ شاهد بحران دلار بود که از آن زمان بعد پیوسته حدت یافته، در حالیکه ذخیره طلای آمریکا پیوسته رو بگاهش رفته است.

کمبود فاضل پرداخت های بین‌المللی آمریکا نتیجه ناآرامی سیاست توسعه طلای عمه جانب و دیوانوار امپریالیسم آمریکا توسعه طلای دیوانوار و جنگ های تجارزکارانه باغضاصی خونریزی دلار است. آمریکا بیش از ۲۰۰۰ پایگاه و موسسه نظامی در جهان دارد. در پایان ۱۹۷۰ تعداد اسپهیان آمریکا در خارجه بیش از یک ملیون بود. بر حسب منابع رسمی آمریکا، هزینه های نظامی ماورا بحار آن کشور در طی هفت سال از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۰ بالغ بر ۲۸/۱۹۷ میلیارد دلار بود.

است یعنی سالیانه بطور متوسط ۴ میلیارد دلار. هزینه های مستقیماً نظامی آمریکا در سالهای مالی ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ جمعاً از ۱۲۰۰ میلیارد دلار تجاوز کرده است. جنگ تجاوزکارانه آمریکا در ویتنام در دهساله اخیر برای وی ۳۰۰ میلیارد دلار تمام شده است. جنگ های تجاوزکارانه فراوان بگنجه از هزاران پایگاه نظامی و یک ملیون سرباز در خارجه، همه این ها موجب هزینه های نظامی هنگفتی برای دولت آمریکا گردیده و توازن پرداخت های بین‌المللی او را مستقیماً بهم زده است. از سوی دیگر، رشد بیش از اندازه صنایع جنگی و فزونی صنایع کشوری، با اضافه تورم موجب کاهش روز افزون قدرت رقابت کالاها ی آمریکائی در بازار بین‌المللی گردیده و این امر بنوعی خود وضع کمبود پرداخت های بین‌المللی او را وخیمتر ساخته است.

آمریکا پس از جنگ جهانی دوم برای اینکه به توسعه طلبی خود در خارجه متحق بخشد و سلطه خود را بر جهان برقرار کند به صدور هنگفت سرمایه دست زد. اما همین امر یکی از علل تضعیف دلار شد. آمار نشان میدهد که صادرات سرمایه های خصوصی آمریکائی از ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۰ قریب ۱۱۰ میلیارد دلار بوده است. آمریکا پس از جنگ جهانی دوم از طریق "نقشه پارشال"، "پیمان امنیت مشترک" و "برنامه کبک بخارجه"، به ممالک دیگر "کمک" بسیار کرد. میگویند که "کمک" (نظامی و اقتصادی) آمریکا بخارجه از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۱ مجموعاً قریب ۱۵۰ میلیارد دلار میشده است. سرمایه انحصاری آمریکا بوسیله این کمکیا کشورهای "بهره مند" را تحت نظارت سیاسی و اقتصادی خویش در می آورد ولی در عین حال این امر موجب خراج هنگفت دلار از آمریکا مگردد که مبلغ آن خیلی بیش از ذخایر طلای آمریکاست.

انتاج از تنزل دلار و اجبار به تنزل دلار - دولت آمریکا پس از هر بحران در عدد برآمد. موقعیت ممتاز دلار را حفظ کند و با تنبلیات و خواهانه آن تنزل آن جلوگیری کرد. دولت آمریکا برای علاج بحران های اقتصادی ادواری خودش پیوسته سیاست تورم توسل جست، در عدد برآمد که فعالیت اقتصادی را از طریق افزایش پول در جریان توسعه اعتبارات و تقیل بهره بانکی رونق دهد. ولی این امر موجب افزایش مداوم کمبود مالی و کاهش مداوم قدرت خرید دلار گردید. دولت آمریکا برای اینکه این کمبود های عظیم را جبران کند بر مدت سه سال از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ سالیاناً بطور متوسط بیش از ۱۰/۲ میلیارد دلار اسکناس جبرسان انداخت. باین نتیجه قیبتها سرمایه ترقی کرد و طبیعتاً بهای تولید بالا رفت و این امر موجب تضعیف شدید قدرت رقابت صادرات آمریکا گردید. ترازنامه بازرگانی خارجی آمریکا که عموماً مثبت بود در ۱۹۷۱ گرفتار کمبود بیسابقه مبلغ ۷/۰ میلیارد دلار شد. دولت آمریکا از پایان ۱۹۷۰ تا ساعه اول ۱۹۷۱ چندین مرتبه نرخ سود بانکی را تنزل داد ولی این امر باعث گردید که سرمایه های کلانی در جستجوی سود بیشتر از آمریکا خارج شود.

منابع عظیم هزینه های نظامی، صادرات سرمایه و کمبود بازرگانی باعث شد که موازنه پرداخت های آمریکا بیش از پیش بهم بخورد و بحران دلار وخیمتر گردد. کمبود پرداخت های بین‌المللی آمریکا از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ مجموعاً ۹ میلیارد دلار بوده است و وزیر بازرگانی آمریکا در مورد کمبود پرداخت های بین‌المللی آن کشور در سال ۱۹۷۱ رقی انتشار داد که قریب ۲۲ میلیارد دلار راستر قرضی که هیچگاه سابقاً بقتناده شده است. این وضع بانجا انجامد که ذخایر طلای آمریکا فرو ریخت. ذخایر مذکور که در سال ۱۹۴۹ ۲۴/۶ میلیارد دلار بود بعد از ۱۰ میلیارد دلار تنزل کرد. در عوض، امروزه مجموعه دلارها موجود در خارج از آمریکا قریب ۶۰ میلیارد است. دولت آمریکا برای اینکه ذخایر کاهش یافته دلار خود را حفظ کند

در اوت سال گذشته اعلام داشت که تسعیر دلار به طلا وقتاً متوقف شود و با این تصمیم موجب بهم ریختگی سیستم مالی و پولی دنیای سرمایه داری گردید. برخی از کشورهای اروپای غربی و ژاپن و در اکثر قانین رشد ناموزن اقتصادی و سیاسی، به رشد نسبی قدرت اقتصادی نائل آمدند و حال آنکه تفوق اقتصادی آمریکا بر جهان سرمایه داری رو به نشیب نهاد. بین برخی از کشورهای اروپای غربی که با نظارت آمریکا به مبارزه برخاسته اند از یک سو و آمریکا که در تلاش تحمیل نظارت خویش است از سغ دیگر، مبارزات حاد در زمینه سیاسی، اقتصادی و غیره صورت میگیرد. در مسائل پولی و مالی نیز چنین است.

آمریکا تمام نیروی خود را بکار انداخته است تا موقعیت ممتاز دلار را بشاید پول ذخیره بین‌المللی حفظ کند و حال آنکه کشورهای اروپای غربی با تمام قوا تلاش میکنند که به این موقعیت خاتمه دهند. آمریکا پس از مشاجرات طولانی و حاد مجبور شد دلار را تنزل دهد. در همان حال که آمریکا تنزل دلار را پذیرفت سایر اعضاء گروه ده گانه (۱) نیز، با در نظر داشتن منافع خود، شان و مناسباتیکه با آمریکا دارند بگدشتهای تن در انداخته و برخی از کشورها مانند آلمان غربی و ژاپن در ارزش پول خود تجدید نظر کردند زیرا که همه آنها از بحران جدید جهانی بهم دارند و میترسند که فرا رسیدن چنین بحران پولی و مالی برایشان فلاکت بار باشد.

بحران دلار ادامه دارد - اما بحران دلار بیماری لاعلاج ناپذیری است که از تضادهای خاص سیستم سرمایه داری ناشی میشود. دلار همچنان ناپایدار است زیرا که آمریکا پس از تنزل آن در دسامبر ۱۹۷۱ از اینکه دلار قابل تبدیل به طلا باشد خودداری میبرد و این امر برای سیستم پولی و مالی دنیای سرمایه داری مضمّن خطر بزرگی است. بعد از طی نخستین سه ماهه، امداد کمبود بازرگانی خارجی آمریکا سیر ۱/۵ میلیارد دلار و کمبود پرداخت های بین‌المللی او بر ۲/۳ میلیارد دلار بالغ شده است. دولت آمریکا در حالیکه توجیه رو به افزایش است سیاست تقیل نرخ بهره و کاهش محدودیت های اعتباری را ادامه میدهد. اما چون نرخ بهره در بازار های اروپای غربی کم است این امر موجب جلب دلار به خارجه میگردد و بیش از پیش موجب زیاد آمدن روز افزون دلار در اروپای غربی و ژاپن میشود. همه این عوامل در تضعیف حدت اکثر دلار تاثیر دارد. کمترین حادثای موجب فشار بر دلار در بازارهای مبادله میشود و برابری آنرا با طلا پائین می آرد. صعود جدید آمریکا در جنگ بر علیه ویتنام شمالی باعث خواهد شد که بحران مالی و پولی و همچنین بحران دلار رو شدت یابد.

(۱) گروه ده گانه شامل است بر آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان غربی، ژاپن، ایتالیا، کانادا، هلند، بلژیک و سوئد.

بناسبت مقاله "بحران دلار" -

تضاد بین امپریالیست ها

"ظاهراً در همه جا "آرامش" حکمفرماست: آمریکا اروپای غربی، ژاپن و سایر کشورهای سرمایه داری را بقبولی حصه بخور و نصیب وارد ساخته است. آلمان (غربی)، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، و ژاپن که بجنگال آمریکا افتاده اند فرمان ها او را مطیعانه اجرا میکنند. ولی خصاستنکر تصور شود که این "آرامش" میتواند "برای همیشه" برقرار ماند، که این کشورها سلطه و بیغ آمریکا را بی پایان تحمل خواهند کرد، که در صورت رهایی از استارت آمریکا بر نخواهند آمد و راه استقلال در پیش نخوا گرفت. . . . تصور اینکه کشورهای مذکور به برخاستن و درهم شکستن "رزم" آمریکا و رهسپاری درجاده استقلال دست نخواهند زد در حکم اعتقاد به معجزه است."

استالین - مسائل اقتصادی سوسیالیسم - فوریه ۱۹۵۲

نابود باد دودشمن بزرگ خلق های جهان: امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم!

تشبیهات ارتجاعی بر علیه نهضت انقلابی در فلسطین

هر روز پیروزی‌های جدیدی نصیب جنگ آزادی بخش فلسطین می‌گردد و امپریالیسم و ارتجاع و پیروزمندی امپریالیسم انگلستان که میکوشیدند حوالت عظیم‌مان و ظفار را بسکوت بر...

گزار کنند دیگر بناچار زبان گشاده اند. اخیراً روزنامه "ساندیتایمز" مقاله ای تحت عنوان "جنگ بزرگی که کسی به آن توجه ندارد" نگاشت که عنوان مقاله پنهان گو یاست.

مقاله در شماره ۶ تیر ۱۳۵۱ اطلاعات ترجمه شده است. خبرنگار ساندی تایمز که از مناطق عمان و ظفار دیدن کرده است گواهی میدهد که "نفوذ جبهه آزادی بخش چنان توسعه یافته که ۹۸ درصد از مردم ناحیه پرجمعیت جبل تحت تسلط آنها در آمدند."

خبرنگار ساندی تایمز در واقع تایید میکند که جنگ انقلابیون ظفار بر علیه امپریالیسم انگلستان است که مشرک را بنام سلطان قابوس بر خلق عمان و سقط حکمرواگر آئیده است. کودتایی که در سال ۱۹۷۰ بر علیه حاکم پنتینس (سلطان سعید بن تیمور) صورت گرفت فقط بمنظور تغییر ظاهر و تثبیت حکومت ارتجاعی بود و مستقیماً بوسیله امپریالیسم انگلستان طرح و رهبری شد.

خبرنگار ساندی تایمز صریحاً می‌نویسد: "سلطان سعید بن تیمور با یک کودتا که بدون تردید تحت نظر و رهبری افسران انگلیسی هدایت میشد از مقام خود خلع گردید." اینک نیز زمام امور و هدایت جنگ بر عهده افسران انگلیسی است. فرماندهی کل نیروهای دولتی عمان را سرهنگ "مایک هاروی" انگلیسی برهنده دارد. "سلطان ۳۱ ساله"

عمان در امر فرماندهی نیروهای خود بطور کامل به افسران انگلیسی که استخدام کرده است متکی است. یک ستوان خلبان جت جنگی پس از ورود به خدمت سلطان عمان و سقوط اگر ازدواج کرده باشد در سال حدود ۱۰۰ هزار تومان و اگر متاهل نباشد حدود ۸۹ هزار تومان دریافت می‌دارد. یک سرهنگ وان انگلیسی برای خدمت با همین درجه در ارتش سلطان عمان حدود ۲۴۳۰۰ تومان و یک سرتور حدود ۸۹۴۰۰ تومان در سال دریافت می‌دارد. هزینه های رسمی دفاعی نظامی عمان و سقوط ۱۳/۲ میلیون لیبره است ولی تخمین زده میشود که نیمی از درآمد نفت صرف مخارج جنگ میشود. بدین ترتیب که هواپیماهای جنگنده سلطان عمان و سقوط که توسط خلبانان انگلیسی هدایت میشوند این جنگ در مدت چند روز بنفع شورشیان در منطقه "سیبسا" پایان می پذیرد.

از این شرح مختص خوبی میتوان دید که سلطان عمان چه نوکر تالیل وزیر خرید، چه خائن مبین فروشی است! بی‌شک نیست که همه نیروهای ارتجاعی و دست نشانده خارومیانه بیاری سلطان عمان شتافته اند. آنها بخواهی حس میکنند که جنگ انقلابی ظفار بصورت منبع الهام و نیرو برای خلق خارومیانه درآمده است و دیر یا زود آتش مقدس آن به سراسر منطقه سرایت خواهد کرد. ملک حسین تاکنون ۲۵ هواپیما برای ارتش عمان فرستاده است زیرا که میدانند که جنگ خلق ظفار و خلق فلسطین یکی است. ملک فیصل از بس دل و بخشش مالی برای تثبیت بنیه نظامی سلطان عمان در بیخ نداد زیرا که میدانند که پیروزی خلق ظفار پیروزی همه خلق‌های عرب و شکست همه مترجمان خارومیانه است. محمد رضا شاه برای پشتیبانی از سلطان عمان بدست و پا افتاده است زیرا که بقول روزنامه "کیهان" (۲۱ تیر ۱۳۵۱) "شمالی ترین نقطه خاک عمان یعنی "راس سندم" فقط ۳۷ کیلومتری نزدیک ترین ساحل ایران فاصله دارد و بدین ترتیب عدم ثبات در کار مرزهای ایران از نظر ایران حائز اهمیت است."

چندی پیش "مستشار اعظم سلطان عمان" - "ویا مستفد" حقیر افسران انگلیسی حکمران عمان - بایران آمد و با شاه و نخست وزیر ملاقات کرد. کسانی که در مذاکره شرکت داشتند عبارت بودند از: نخست وزیر و وزیر خارجه و وزیر اطلاعات.

در امریکا ۵/۰ درصد از اهالی صاحب ۲۵ درصد از کیه ثروت کشور است. در انگلستان قریب ۱٪ از ثروت کشور در دست کسانی است که بیش از یک درصد از اهالی نیستند. در سوئد ۱۰ خانواده صاحب ۱٪ از تولید صنعتی آن کشور اند.

در جهان سرمایه داری

در امریکا ۵/۰ درصد از اهالی صاحب ۲۵ درصد از کیه ثروت کشور است. در انگلستان قریب ۱٪ از ثروت کشور در دست کسانی است که بیش از یک درصد از اهالی نیستند. در سوئد ۱۰ خانواده صاحب ۱٪ از تولید صنعتی آن کشور اند.

در امریکا ۵/۰ درصد از اهالی صاحب ۲۵ درصد از کیه ثروت کشور است. در انگلستان قریب ۱٪ از ثروت کشور در دست کسانی است که بیش از یک درصد از اهالی نیستند. در سوئد ۱۰ خانواده صاحب ۱٪ از تولید صنعتی آن کشور اند.

در امریکا ۵/۰ درصد از اهالی صاحب ۲۵ درصد از کیه ثروت کشور است. در انگلستان قریب ۱٪ از ثروت کشور در دست کسانی است که بیش از یک درصد از اهالی نیستند. در سوئد ۱۰ خانواده صاحب ۱٪ از تولید صنعتی آن کشور اند.

در امریکا ۵/۰ درصد از اهالی صاحب ۲۵ درصد از کیه ثروت کشور است. در انگلستان قریب ۱٪ از ثروت کشور در دست کسانی است که بیش از یک درصد از اهالی نیستند. در سوئد ۱۰ خانواده صاحب ۱٪ از تولید صنعتی آن کشور اند.

در امریکا ۵/۰ درصد از اهالی صاحب ۲۵ درصد از کیه ثروت کشور است. در انگلستان قریب ۱٪ از ثروت کشور در دست کسانی است که بیش از یک درصد از اهالی نیستند. در سوئد ۱۰ خانواده صاحب ۱٪ از تولید صنعتی آن کشور اند.

در امریکا ۵/۰ درصد از اهالی صاحب ۲۵ درصد از کیه ثروت کشور است. در انگلستان قریب ۱٪ از ثروت کشور در دست کسانی است که بیش از یک درصد از اهالی نیستند. در سوئد ۱۰ خانواده صاحب ۱٪ از تولید صنعتی آن کشور اند.

در امریکا ۵/۰ درصد از اهالی صاحب ۲۵ درصد از کیه ثروت کشور است. در انگلستان قریب ۱٪ از ثروت کشور در دست کسانی است که بیش از یک درصد از اهالی نیستند. در سوئد ۱۰ خانواده صاحب ۱٪ از تولید صنعتی آن کشور اند.

رئیس سازمان صنایع نظامی، رئیس اداره امور خلیج فارس در وزارت خارجه و غیره. این ترکیب نشان میدهد که مذاکرات از حدود روابط بین ایران و عمان خارج بوده است. مسلماً علاوه بر کمک های اقتصادی و نظامی که رژیم کودتا به حکومت یوشالی عمان بنثار میکند نقشه اقدامات مشترک بر علیه نیروهای انقلابی در خلیج فارس نیز طرح شده است.

در همین اثنا دولت ایران و زمین شمالی با شتاب تمام مشغول مبارزه سفرا و تشریک سازی بر علیه جمهوری تودهای دموکراتیک یمن (جنوبی) اند. روزنامه "کیهان" نوشت که "تهران هیئت از کارشناسان فنی خود را در امور مختلف برای بررسی احتیاجات جمهوری عربی یمن بآن کشور اعزام داشته است" و برخی از محافل خارجی خبر از تداوم عده ای از "کارشناسان فنی" مذکور کارشناسان نظامی اند.

بدیهی است که هدستی محمد رضا شاه با سلطان عمان ملک فیصل، ملک حسین، حکومت یمن شمالی، و دشمنی همه آنها با انقلابیون ظفار و حکومت انقلابی یمن جنوبی و نهضت فلسطین تماماً مربوط به نقشه عام امپریالیسم و ارتجاع بر علیه خلق های خارومیانه است و در این میان نقش خاص بر عهده محمد رضا شاه گذاشته شده است.

اما آنچه در خارومیانه رو باغلا می‌رود و نیرو می‌گیرد گرا-پش انقلابی است. همین تشبیهات مزدوران امپریالیسم نشانهای از هراس آنها در برابر نیروی فزاینده خلق‌هاست. همین هدستی محافل ارتجاعی کشورهای مختلف با یکدیگر موجب بسط همبستگی خلق‌های آنها با یکدیگر خواهد شد. راه مبارزه مسلحانه که خلق فلسطین و خلق ظفار در پیش گرفته اند راه همه خلق های خارومیانه است.

پاسداری از ... بقره از صفحه ۶ دفاع و پشتیبانی کند که از مبارزه گروه‌های مسلح در اینجا عده این نیست که مبارزان در مبارزه علیه رژیم چه راهی را بر می‌گزینند، چه شیوه ای، چه تاکتیکی را بکار می‌بندند، عهده اینست که نیروهای پیروز در دستگاه خیانت و جنایت و فساد به قیام برخاستند و با یاری آنان از مبارزه چریکیسما علیه رژیم، دفاع از مبارزه مسلحانه را برای کفدراسیون الزام آور نمیکند. اگر موضعگیری در شیوه مبارزه چریکیسما کفدراسیون نیست، پشتیبانی از مبارزه مسلح جوانان وظیفه کفدراسیون است. کفدراسیون به این عنوان که مبارزه علیه رژیم شکل مسلحانه بخود گرفته، نه میتواند دفاع از مبارزه مسلح را در دستور کار خود قرار دهد. نه بلعکس بهانه اینکه دفاع از چریکیسما گویا به معنی دفاع از مبارزه مسلح است و دفاع از مبارزه مسلح با خط مشی کفدراسیون نمیخواند، از دفاع از جوانان مبارز طفره رود. بنظر ما دفاع از مبارزه مسلحانه چریکیسما در شرایط ایران مغایر با خط مشی کفدراسیون نیست. آیا میتوان تصور کرد که توده دانشجو در خارج از کشور در حالیکه هنوز هم از آزادی نسبی برخوردار است از دفاع از این مبارزات و بخاطر افتنا ماهیت و جنایات رژیم سر باز زند؟ آیا میتوان تصور کرد که توده دانشجو از اینکه در کار خلق‌های ایران قرار گیرد و سهم خود را در مبارزه‌ها کند امتناع خواهد ورزید؟ ما با ایمانی که به توده‌های خلقی و از آنجمله جوانان روشنفکر و دانشجو داریم به این سوالات پاسخ منفی میدهم. منتها کار مبارزه باید آگاهانه و بر طبق نقشه انجام گیرد تا شریک شدن در مبارزه بجزایر خود بخودی و در این انتظار ماندن که توده‌ها خود به صفوف مبارزان بپیوندند نتیجه چندانی ببار نیآورد و چه بسا به تضعیف مبارزه منجر خواهد گشت.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

پاسداری از ... بقره از صفحه ۶ دفاع و پشتیبانی کند که از مبارزه گروه‌های مسلح در اینجا عده این نیست که مبارزان در مبارزه علیه رژیم چه راهی را بر می‌گزینند، چه شیوه ای، چه تاکتیکی را بکار می‌بندند، عهده اینست که نیروهای پیروز در دستگاه خیانت و جنایت و فساد به قیام برخاستند و با یاری آنان از مبارزه چریکیسما علیه رژیم، دفاع از مبارزه مسلحانه را برای کفدراسیون الزام آور نمیکند. اگر موضعگیری در شیوه مبارزه چریکیسما کفدراسیون نیست، پشتیبانی از مبارزه مسلح جوانان وظیفه کفدراسیون است. کفدراسیون به این عنوان که مبارزه علیه رژیم شکل مسلحانه بخود گرفته، نه میتواند دفاع از مبارزه مسلح را در دستور کار خود قرار دهد. نه بلعکس بهانه اینکه دفاع از چریکیسما گویا به معنی دفاع از مبارزه مسلح است و دفاع از مبارزه مسلح با خط مشی کفدراسیون نمیخواند، از دفاع از جوانان مبارز طفره رود. بنظر ما دفاع از مبارزه مسلحانه چریکیسما در شرایط ایران مغایر با خط مشی کفدراسیون نیست. آیا میتوان تصور کرد که توده دانشجو در خارج از کشور در حالیکه هنوز هم از آزادی نسبی برخوردار است از دفاع از این مبارزات و بخاطر افتنا ماهیت و جنایات رژیم سر باز زند؟ آیا میتوان تصور کرد که توده دانشجو از اینکه در کار خلق‌های ایران قرار گیرد و سهم خود را در مبارزه‌ها کند امتناع خواهد ورزید؟ ما با ایمانی که به توده‌های خلقی و از آنجمله جوانان روشنفکر و دانشجو داریم به این سوالات پاسخ منفی میدهم. منتها کار مبارزه باید آگاهانه و بر طبق نقشه انجام گیرد تا شریک شدن در مبارزه بجزایر خود بخودی و در این انتظار ماندن که توده‌ها خود به صفوف مبارزان بپیوندند نتیجه چندانی ببار نیآورد و چه بسا به تضعیف مبارزه منجر خواهد گشت.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

سازمان ما همیشه کفدراسیون را بخشی از جنبش‌های بخش خلق های ایران شمرده و می‌شمارد و به آن از دید مبارزه خلق‌های ایران علیه رژیم خون آشام و دست نشانده نگریمته می‌نگرد. سازمان ما هیچگاه از پشتیبانی و تقویت کفدراسیون دریغ نرورزیده است. هر آنچه که درباره بهبود وضع کفدراسیون و مبارزه با افکار و نظریاتی که نادرست تشخیص میدهند، می‌اندیشد آنرا بپیرا و صمیمانه در صفحات ما هنامه خود منعکس می‌دارد. بیک کلام سیاست سازمان ما در این عرصه حفظ و تقویت کفدراسیون است. ما همیشه به این سیاست وفادار بوده ایم و از این پس نیز وفادار خواهیم ماند. کفدراسیون زنده است و زنده خواهد ماند.

شش ماهی وزه ... بقیه از صفحه ۶ در کار تصویب آن اخلال میکنند و آنرا به عقب می‌اندازند. تازه آن مبلغی که باید بر طبق لایحه بر دستمزد افزود گردد مبلغ ناچیزی است و با افزایش سزاسام آور اخیر قیضتاً مطلقاً تناسبی ندارد. به اضافه مواد غذایی کیباب و گاهی نایاب است. گوشت تخم مرغ شیرو ماهی در حکم طلاست. گر آن کیباب بعلت آن هم فساد دستگاه دولتی است که سوسیالیست‌ها و روزیونیست‌ها در راه آن قرار دارند.

برنامه ارضی هنوز کاملاً اجرا نشده و زمینهای زیادهای همچنان در دست مالکین باقی است. دهقانان اینجا و آنجا مالکین را میرانند و زمین را تصاحب میکنند ولی دولت بایستد بتواند که این عمل با برنامه اصلاحات نمیخواند زمین را از دهقانان باز پس بستاند.

روشن است که با چنین وضعی عدم رضایت شدید توده های مردم نمیتواند وجود نداشته باشد و تظاهر بکنند. دولت آئنده نیز در قبال تظاهرات توده‌ها به قهر متوسل میگردد. در همین اواخر او تیرتوهای پلیس به محلات کارگر نشینن پایتخت حمله بردند و بنا به اعتراف صبح خودشان سکاگر را را به قتل رسانیدند و دهها نفر را مجروح ساختند. روزیونیست‌ها سرکوب کارگران را تهنیت گفتند به این عنوان که تظاهرات توده‌ها هدفش گویا "برگرداندن توجه از برنامه‌های است که آئنده قصد دارد جامعه عمل ببوشاند."

این وضع نایبمان به حزب ارتجاعی دمکرات مسیحی و گروه‌های فاشیستی میدان عمل داده است. گروه‌های شبه نظامی "در همه جا دست بکار شده‌اند و انفجارهای بی دریغی که با دست آنها روی میدهد بقسمی که دولت جبرورشد حکومت نظامی اعلان کند. آن افراد و گروه‌های فاشیستی که باز داشت شدند با دادن مبلغی برابر چند تومان آزاد شدند (لوموند ۲۴ اوت ۱۹۷۰) حزب دمکرات مسیحی که چندی پیش اقتصاب کسبه را علیه دولت سازمان داد اکنون در جریان ساء زبان دادن تظاهرات جدیدی است. دولت آئنده به جای سرکوب نیروهای فاشیستی و ارتجاعی به آنها فرصت میدهد که اقدامات خود را علیه دولت دنبال کند. عجب تر آنکه حزب روزیونیست بر آن است که حزب دمکرات مسیحی را در دولت شرکت دهد. این حزب پس از آنکه جناح چپ آن انشعاب کرد اکنون آشکارا ارتجاعی و زبان در دست فاشیست‌های سرشناس است. دمکرات‌های مسیحی فعلاً به پیشنهاد پاسخ صاعده ندادند و در انتظارند که دولت آئنده باز هم بیشتر بر مشکلات خود فرورود و آنها سهم بیشتر و بهتری بدست آورند. روزیونیست‌ها که از توده‌ها میترسند با بدترین دشمنان خلق متحد میشوند و بجای آنکه برای حل مشکلات توده‌ها کارگران توسل جویند بر سرکوب خونین تظاهرات بدی آنها صاعه میگذازند. تجربه شیلی بیکار دیگر شکست‌راه مسالمت‌آمیز را میا.

رمانی را نشان میدهد. باید منتظر بود روزیونیست‌ها بدینال کشف تجربه تازه ای برونند و نمونه تازه‌ای ارائه دهند. اما تجربه شیلی یک واقعیت دیگر را هم نشان داد و آن اینکه روزیونیست‌ها همیشه و در همه جا آماده خیانت و سازش با ارتجاع و امپریالیسم علیه توده‌های مردم اند.

اقتباس از گزاره ارگان حزب کمونیست مازکسیست. لنینیست بلژیک - ماه اوت

فروش سهام ... بقیه از صفحه ۶ در ایران بلکه حتی در جهان نیز کالا پیشی خریدار است. تبلیغات جدید رژیم در آستانه کفرانس جهانی کار در بی آبروی ذات ملوکانه را در مان نخواهد کرد. تنها روزیک مالکیت خصوصی به مالکیت اجتماعی درآید آنگاه منافع انقلابی طبقه کارگر به تحقق پیوسته است.

عنوان مکانیات X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D' ADDA / ITALY

حساب بانکی X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

عنوان مکانیات X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D' ADDA / ITALY

حساب بانکی X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

عنوان مکانیات X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D' ADDA / ITALY

حساب بانکی X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

عنوان مکانیات X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D' ADDA / ITALY

حساب بانکی X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

عنوان مکانیات X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D' ADDA / ITALY

حساب بانکی X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

عنوان مکانیات X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D' ADDA / ITALY

پیروز باد جنگ توده‌های خلق فلسطین

پاسداری از کفدراسیون

سختی بنیاد نهنگهایم . بنظر کار تبلیغاتی کفدراسیون در میان جوانان ضعیف است و تبلیغات به خاطر نداشتن ماهیت کفدراسیون ، اهمیت مبارزات آن ، اهمیت و لستیم شرکت دانشجویان در کفدراسیون ، رفع نظریات نادرست به کفدراسیون در میان عناصری که واقعا برای مبارزه آستانه اند و منتها بهر علت که باشد ، به کفدراسیون از در چمنارستی میگردند ما یقین داریم فعالیت منظم در این زمینه شرافراوانی خواهد بخشید .

شاه و دولت ایران که نقش کفدراسیون را بخوبی می بینند با تمام وسائل و بلاقطعاع علیه آن توطئه می چینند آنها با بخشیدن ثروتهای کشور ما به امپریالیستها از آنها میخواهند که در کشورهای خود امر را بر جوانان دانشجو تنگگیرند ، فعالیت آنها را هراندازه ممکن است محدود سازند سهل است به آن خانه دهند . این تهدید از خارج آگسین جدی است و نباید آنرا سرسری گرفت . وظیفه تمام افسران مترقی و پیشرو ، تمام گروهها و سازمانهایی که واقعا علیه رژیم مبارزه میکنند اینست که تا وقت از دست نرفته با این خطر ظهور جدی مبارزه برخیزند و با فعالیت خود در میان دانشجویان و تهریح آنان مبارزه روحیه آنها را قوی نگاه دارند . امروز در ایران جوانانی در مبارزه با رژیم از ایتار جانند ، خویش نیز پروا ندارند ، کمتر روزی میگذرد که در ایران مبارزانی خونینی جریان نیابد . هر ایرانی که به شیوه مبارزه این جوانان نان وارد باشد این امر مسلم است که این جوانان از دل و جگر بخاطر سرنگون ساختن رژیم میزنند . این مبارزه به جوانان روشنفکر و روشنفکران و دهقانان نیز از مبارزه بهیبه خاطر حقوق و منافع پایمال شده خویش بازمی ایستند . کفدراسیون همانقدر وظیفه دارد از اعتصاب کارگران ، شورش دهقانان و تظاهرات خیابانی تودهها بقیه در صفا .

در اهمیت کفدراسیون سخن بسیار رفته است ، بر همه کس معلوم است که کفدراسیون در حال حاضر با اعتبار و پشتی که بر اثر مبارزات درخشان خود کسب کرده ، نقش بزرگی در افشا رژیم استبدادی و خونخوار شاه و در پخش اخبار مربوط به مبارزات خلق ایران و دفاع از این مبارزات بازی میکند . هرگونه تضعیف مبارزه کفدراسیون دست شاه را برای هرگونه جنایت و خیانت بیشتر باز خواهد گذاشت زیرا طغیان خواهد شد که صدای اعتقاد شایه او با این دامنه از صحنه کسور بیرون نخواهد رفت و آوازه مبارزه خلق های ایران ، در همان زندانها ، شکرگاه ها و میدانهای اقدام خاموش خواهد شد . کفدراسیون رسانترین صدای مبارزات خلق های ایران است ، از اینرو است که در اهمیت کفدراسیون ، حفظ و حراست آن و تقویت آن هراندازه تکیه شود جا دارد .

اهمیت مبارزه کفدراسیون ، شرحی بود این مبارزه تنها در فعالیت هیئت دبیران آن نیست ، در این است که این فعالیت پشتوانه دارد ، از جانب توده های دانشجو پشتیبانی میشود ، با مبارزات عملی دانشجویان تقویت میگردد آنچه در این میان حافظ اهمیت است توده های دانشجو و مبارزات آنها است . چنانچه توده دانشجو به هرپناه ای که باشد از صحنه مبارزه دور شود یا مبارزه آن ضعیف گردد بدیهی است که کفدراسیون از ایفاء نقش خود باز خواهد ماند هراندازه توده بیشتری از جوانان در پشت سر هیئت دبیران خود بایستند و با مبارزات خود آنها را تقویت کنند ، مبارزه کفدراسیون با رژیم مؤثرتر خواهد افتاد .

ما بارها گفته و تکرار کرده ایم که کفدراسیون باید به گسترش سازمانهای خود و تجمع هرچه بیشتر دانشجویان در این سازمانها توجه کند . اگر بگوئیم اهمیت این امر کمتر از برنامه های دفاعی که بحق اینهمه وقت بدان مصرف میگردد نیست

« فروش سهام به مردم ! »

درست سه هفته قبل از تشکیل کفرانس جهانی کار بوق و کرنای تبلیغاتی رژیم دربار باصطلاح دفاع از منافع انقلابی کارگران برخاست . برهم رژیم فروش سهام کارخانجات درجه اول « بکارگران و سپس سایر مردم » گاهی است در جهت سرمایه گذاری عمومی و تامین منافع زحمتکشان کشور ما . شاه به صاحبان صنایع توصیه نمود که یک ثلث سهام خویش را در بازار بفروش رسانند تا بوجه باین امر که کنترل خویش را بر کارخانه از دست ندهند .

ولی واقعیت فروش سهام " جنبه دیوکراتیک دادن به سرمایه نیست ، بلکه در واقع کوششی جدید برای کسب اعتبار بین المللی برای رژیم شاه و تحقیق افکار عمومی ایران و جهان است . صرف نظر از اینکه توده زحمتکشان کشور ما در مخارج روزانه خویش درماندند و کیسه شان از هر نخیره های خالص است آن افراد از طبقات متوسط نیز که قادر بخرید سهامی باشند در واقع ذخیره خود را برای بهره برداری در اختیار سرمایه داران بزرگ میگذارند . لنین در مقاله امپریالیسم متحده بالاترین مرحله سرمایه داری چنین می نویسد : " در حقیقت هم تجربه نشان میدهد برای اداره امور یک شرکت سهامی در اختیار داشتن ۴۰ درصد سهام کافیست زیرا قسمت معینی از سهام داران پراکنده و جز" عملا هیچگونه امکانی برای شرکت در جلسات عمومی و غیره ندارند . نتیجه اینکه صاحبان سهام بیشتر کنترل کل موسسه را بعهده خویش دارند . آنها قادرند معاملات تمام با ریسک را از سهام داران متوسط پوشش دهند . علاوه بر آن به گمانیک بیش از همه در کار نینفند اجازه میدهد در صورت عدم موفقیت در این اقدام از طریق فروش بوق سهام مسئولیت را از گردن خود دور سازند تنها سهام داران جز" و پراکنده است که بعلت عدم اطلاع دقیق از مسائل با آنچه دست سرمایه داران میکند . وقتی به مقاله کیهان ۳۱ تیر مراجعه میکنیم نتیجه عملی توصیه شاهانرا بیعان مشاهده مینماییم . در آنجا ذکر کرده اند که ۹۹ درصد سهام واحد های نفتی ب مردم عرضه میشود ولی شرکت نفت تنها با در دست داشتن یک درصد سهام مطلق العنان است و حال کم بر سر نوشت ۹۹ درصد دیگر سهام می باشد . یعنی درست است که سهام " متعلق " به کارگران است ولی سر نوشتند دست شرکت نفت می باشد . صرف نظر از این چشم بندی شاهانه که در هیچ مغزله حقوقی بورژوازی نیز همتا ندارد و بر مبنای سهام هرچه بیشتر حقوق کمتر بنا شده تازه بقول کیهان " نحوه واگذا ری و تعداد سهام تابع مقررات ویژه ای خواهد بود . این مقررات ویژه باید در واقع آخرین روزنه های خیال خام را نیز مسدود نماید . درست است که کارگران ظاهرا صاحب سهام ولی سر نوشتش را دیگران تعیین میکنند ، عملا شرکتهای تعاونی همه کاره سهام می باشند که کنترل آنها نیز در دست مأمورین مدیریت است ، زیرا " تنها از طریق شرکتهای تعاونی اقدام بد خرید و فروش سهام " ممکن است یعنی " سهامی که به کارگران و کارکنان صنعت نفت تعلق دارد بصورت " بی نام " خواهد بود . این بدان معنی است که پس از مرگ ، اخراج و یا متقاعد شدن سهام دار جز" (کارمند یا کارگر . . .) سهام بی نام و زبان او به شرکت تعاونی تعلق دارد که بفقیر بعدی می فروشد و در واقع کارگر در عین اینکه صاحب سهام است صاحب سهام نیست و این شرکت تعاونی است که کنترل سایر سهام را در دست دارد .

این اقدام جدید رژیم ایران همراه با کوس تبلیغاتی در جهت وابستگی هرچه بیشتر زحمتکشان کشور ما به کارفرمایان فردی و دولتی است . ۳ سال پیش فریاد سهم کردن کارگران در سود کارخانجات گوش فلك را کسر میکرد و امروز پس از ۳ سال که از این سهم کردن گذشت ، نمایش عوامفریبانه دیگری صحنه آورد . طبقه کارگر ایران در جریان تظاهرات و اعتصابات خونین خود در عرض این چند سال نشان داد که دیگر حنای محمد رضا شاه ی رنگی ندارد و نه تنها .

شش ماهی و راه « مسالمت آمیز » انقلاب

امپریالیسم آمریکا را ملی کرد . ولی در عین حال پذیرفت که برای آنها غرامت بپردازد . مثل اینکه امپریالیسم آمریکا باندان ره کافی خلق شیلی را غارت نکرده است که اکنون باید غرامتی برابر بپردازد مد لمین دلار بوی بپردازد . این غرامت که اکنون بصورت قرضه سنگینی درآمده به امپریالیستهای آمریکایکای امکان داده است که بر دولت شیلی همه گونه فشار آورند و دولت شیلی که در واقع به خلق متکی نیست و نمیتواند باشد قادر نیست در برابر فشار از خارج با قاطعیت ایستادگی کند . شکست انگیز تر اینکه به امپریالیستها توصیه میکند این مبلغ را در رخوب شیلی منتها در شعب دیگری تولید سرمایه گذاری کند . از یکسو مؤسسات امپریالیستی ملی میشود و از سوی دیگر دست امپریالیستها در سرمایه گذاری های جدید بسا ژ گذاشته میشود .

وضع اقتصادی نه تنها رضایتبخش نیست ، وخیم است . کمبود نوازه برد اختهای دولت به چند صد ملیون دلار دست میزند . دولت گویا چاره ای ندارد جز اینکه از بانک کشورهای آمریکا برای عفران و آبادانی " که در واقع با دست امپریالیسم آمریکا میچرخد تقاضای قرضه کند و این خود موجب افعال فشار تازه ای از جانب امپریالیسم آمریکا و ارتجاع کشورهای آمریکای لاتین است . دولت آینده باز هم برای سرو صورت دادن بوضع مالی خود از سوسنالی امپریالیسم شوروی مبلغ هنگفتی بقرض گرفته است و بدین طریق پاد امپریالیسم تازه ای را در کشور خود باز کرده است .

واحد پول شیلی طی دو سال که دولت " اتحاد ملی " بر سر کار است چهار بار تنزل کرده و همین خود عامل تازمانی برای گرانی هزینه زندگی و یاتین آمدن بازم بیشتر سطح زندگی است . در همین روزهای اخیر قیمتها دوباره از ۶۰ تا ۱۵۰ درصد بالا رفته است . افزایش دستمز کارگران ، کارمندان که میبایست متنا سب با گرانی قیمت ها صورت گیرند فعلا بهاه اکبر موزکل شده است البته آن هم بشرطی که لایحه آن تا این تاریخ در مجلس تصویب نرسد . نمایندگان حزب اپوزیسیون بقیه در صفا .

" راه مسالمت آمیز " انقلاب سرایی است که روزی نیست در برابر خلقها میگردد . برای آنکه آنها را از انقلاب باز دارند . با آنکه امروز هرکس میفهمد تجربه مبارزه عم نشان میدهد که انقلاب از راه " مسالمت آمیز " امکان پذیر نیست معذک روزی نیستیها از تلاش باز نمی ایستند و کارگانا خونین های برای اثبات نظر خود ارائه میدهند . اما این نمونههایی پس از دیگری بطلان نظر آنها را به اثبات میرساند زیرا چنین راهی لاف در حال حاضر برای انقلاب وجود ندارد .

آکسر بین نمونه آنها نمونه شیلی است که مدتهاست آنرا برخ میکنند و حتی فیدل کاسترو را مجبور کردند با مشاهده آن واقعتا راه " مسالمت آمیز " را بپذیرد . اما حقایق پس از گذشت دو سال نشان میدهد که آنچه گفتمون راه مسالمت آمیز انقلاب سوسیالیستی ارائه شده چیزی جز حفظ نظم کهنه نیست منتها با پیروایهائی که شاید چند صباحی تودها را مشغول سازد .

دو سال پیش ائتلافی از سوسیالیستها ، روزی نیستیها ، چند سازمان چپ" دیگر ب نام " اتحاد ملی " در انتخابات اکثریت پیدا کرد . رهبر سوسیالیستها آفنده در رأس حکومت مت شیلی قرار گرفته حکومتی که در آن روزی نیستیها همقامتی را در دولت اشغال کردند . بلافاصله مبلغین روزی نیستیها سوسیال دمکراتها و بورژوازی این مومنت اتحاد ملی را بشتابه تحریر موفقیت آمیز پیروزی سوسیالیسم از راه انتخابات وانمود ساختند . گویا تاریخ حالات را سراغ ندارد که سوسیالیستها حتی همراجهای نیستیها در رأس حکومت قرار گرفته باشند!

اکنون دو سال از آن تاریخ میگذرد . در رژیم شیلی هیچگونه تغییری پدید نیامده و دولت ماهیت بورژوازی خود را از دست نداده است . دولت بورژوازی ، آطور که پیروزی انقلابیولتار باقی اسباب میکند ، در هم شکسته نشد و همان دستگاه در لقی سابق بر جای مانده است منتها با این تفاوت که سوسیالیستها و روزی نیستیها آنرا اداره میکنند . و بسود خلق قسم ادا میکنند . البته دولت شیلی چند مؤسسه اقتصادی متعلق به

سرنگون باد رژیم محمد رضا شاهی